



سردبیر : بابک سراج

مسئولیت مطالب مندرج در نشریه بر عهده نویسنده است و نشریه سازمان هیچ مسئولیتی در قبال آنها ندارد.

شماره ۷ هفتم سپتامبر ۲۰۱۶

نشریه سازمان پناهندگان ایرانی - بیمرز

## در مورد انتشار دوباره نشریه سازمان سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئد!

عباس رضایی

ورود موج گسترده پناهجویان ایرانی به سوئد در سال گذشته ما را بر آن داشت تا دوباره و به طور منظم نشریه بی مرز نشریه سازمان سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئد را منتشر کنیم. این نشریه ماهی دو بار منتشر می شود.

صفحه ۲

## چرا پناهندگی؛ چرا آوارگی و فرار! پناهجویان و رویاهای طلایی!

ترانه

الهام صالح نیا

صفحه ۳

صفحه ۴

## پناهندگی در سوئد!

علیرضا شافعی

صفحه ۵

## گفتگویی با افشین ندیمی فعال سیاسی!

صفحه ۶

## سایت استکهلیمیان - پرستار راسیست سوئدی!

محمد ولدی

صفحه ۹

## اطلاعیه سازمان سراسری پناهندگان ایرانی بیمرز!

صفحه ۱۱





عباس رضایی

## در مورد انتشاره دوباره نشریه سازمان سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئد!

پناهجوی آنها است. هرچند کار اصلی ما سازمان دادن خود پناهجویان برای دفاع از حق خودشان است و اینکه چنین سازمان های قاعدتا با فعالیت خود پناهجویان قدرت می گیرند.

چرا باید به سازمان سراسری پناهندگان ایرانی پیوست؟

سالها تجربه ما در عرصه پناهندگی این را نشان داده است که پناهجویانی که به تنهای با اداره مهاجرت روبه رو می شوند شانس کمتری برای دریافت اقامت خود در سوئد دارند!

آشنایی با نحوه ارا کیس و استفاده از تجربه دوستانی که خود این پرسه را طی کرده اند یکی دیگر از این دلایل است!

البته لازم است همینجا اعلام کنم سازمان سراسری پناهندگان ایرانی یک سازمان بی طرف نیست! ما طرفدار برابری انسانها جدا از دین، ملیت و محل تولدشان هستیم! ما خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی به عنوان حکومتی که بانی صدها هزار اعدام و آواره شدن ملیونها ایرانی بوده است هستیم!

برای اطلاع کسانی که تازه با این سازمان آشنا می شوند، برای کسانی که سولاتی در مورد پرسه پناهجویی دارند، برای کسانی که طرفدار حق اقامت برای تمام کسانی هستند که از جهنم جمهوری اسلامی گریخته اند خواندن این نشریه را توصیه می کنم.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی سالها است که به صورت سراسری در اکثر کشورهای اروپایی فعالیت می کند، این سازمان متشکل از کسانی است که به طور داوطلبانه به پناهجویان فراری از جهنم جمهوری اسلامی کمک می کند.

واحد سوئد این سازمان که مورد بحث ما است فعلا در استکهلم و گوتنبرگ فعالیت می کند و آماده پاسخگویی به سولات پناهجویان در مورد امور

سازمان ما در سوئد در اکثر اعتراضات علیه جمهوری اسلامی شرکت فعال دارد. سازمان سراسری پناهندگان ایرانی- "بیمرز"، سازمانی غیر دولتی و مردمی مدافع حقوق پناهندگی است. ما معتقدیم عامل آوارگی؛ فرار و مهاجرت میلیونی مردم حکومتهای و دولتهایی است که امکان زندگی امن، محترمانه؛ سالم، مرفه، صلح آمیز، برابر و آزاد را از شهروندان خود سلب می کنند. تنها یک جهان بیمرز که همه شهروندان را برابر و آزاد در خود جا میدهند، میتواند برای همیشه به پناهندگی، فرار، آوارگی، و مهاجرت اجباری پایان دهد. "ما معتقدیم که "وطن" هر کس جایی است که در آن کار یا زندگی میکند". ما معتقدیم که حقوق انسان جهانشمول است و مشروط و مقید به مرز و جغرافیا و جنسیت و فرهنگ و مذهب و ملیت و طبقه و سن نیست. افکار و عقاید و جنبش هایی که حقوق انسان را متناسب با این عوامل مقید و مشروط میکنند، همچون راسیسم و تئوری نسبیت فرهنگی، افکار و جنبش هایی ارتجاعی علیه جهانشمول بودن حقوق انسان اند.



## چرا پناهندگی: چرا آوارگی و فرار!



الهام صالحی نیا



شان نرسند. مرزها را می بندند؛ با سگ هایشان در مرزها و حتی جنگل های کشورهای چوون یونان و بلغارستان گشت می زنند تا فراریان را شکار کنند و پس بفرستند.

اروپای متمدن چندین میلیارد دلار به دولت اردوغان می دهد تا مرزهای ترکیه را به کشورهای اروپایی به روی فراریان از جنگ، فقر و ستمکشی ببندد.

باید به این دولت ها و به سرمایه داران کشورهای غربی گفت اگر شما دست از سر مردم منطقه بردارید؛ اگر طالبان و داعش و قوم پرستان کرد و عرب در عراق و لیبی و سوریه را مسلح نکنید و سر کار نیاورید؛ چرا باید مردم این کشورها فرار می کردند. مسبب جنگ و قربانیانش حتی در میان کودکان و سالمندان و مسبب آوارگی و فرار مردم خاورمیانه و افریقا جنگ های کثیف دولتهای ظاهرا متمدن غرب و امریکا است. تا زمانی که جنگ سرمایه داران با دخالت امریکا و متحدینش ادامه داشته

ادامه در صفحه بعد

تازه رسیدن به کشورهای امن هنوز پایان کار نیست. بلکه آغاز دوره پناهنده شدن و تحقیر شدن است. هیچ پناهنده و مهاجری در کشورهای اروپایی ولو پذیرفته شوند نمی توانند احساس آرامش و اسایش و خوشبختی کنند چرا که در اینجا هم کله سیاه و عرب و ترک و کرد و فارس و سنی و شیعه و مسلمان نامیده می شوند. و مدام زیر تیغ تبلیغات تحقیر و تهدید آمیز جریانان راسیستی بسر می برند.

جالب است همین کشورهای بظاهر مرفقی و متمدن خود در کشورهای آسیایی و خاورمیانه جنگ راه می اندازند ، دخالت نظامی می کنند و دولتها را تغییر می دهند ، زمین و ثروت آن کشور ها را تقسیم می کنند. سهم مردم آن کشورها ، مرگ بی خانمان ویا آوارگی است. و شرم آورتر زمانی است که دولتهای غربی نه از سر حمایت از آوارگان و پناهندگان که مجبور به فرار می شوند؛ بلکه از سر منافع کشور خودشان بخشی از این بخت برگشته ها را بعنوان پناهجو می پذیرند چرا که به قول خودشان به نیروی کار جوان احتیاج دارند. به کارگرانی احتیاج دارند که کارهای سخت و پست را با کم ترین دستمزد برایشان انجام دهند. با وجود این عالیجنابان مدرن مدام گله دارند که باید جلو مهاجرین و پناهندگان و فراریان را سد کنند تا به اروپای متمدن

داستان پناهندگی و مهاجرت داستان غم انگیز و دردناک برای بشریت دنیای امروز است. شمردن آمار پناهندگان و فراریان از کشورهای جنگ زده ، فقر زده ، اسلام زده و دیکتاتوری هنوز مشکلی را حل نمی کند. لازم نیست خود آواره ، پناهجو و یا فراری باشی تا این درد و مصیبت را احساس کنی. این درد مشترک همه انسان های دنیای امروز است.

از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی تا حالا میلیون ها نفر از این زندان زنان، جوانان ، کارگران و روشنفکران فرار کرده اند.

بیش از نصف مردم افغانستان آواره و فراری شده اند. بخش زیادی از مردم عراق از حاکمیت قومی و مذهبی شیعی و سنی در عراق و کردستان عراق فراری شده اند. میلیون ها انسان در لیبی و سوریه اگر توانسته باشند جان سالم بدر ببرند آواره اردوگاه ها شده و یا راهی کشورهای اروپایی شده اند. تازه اگر در راه از سرما و گرما نمیرند، در دریاها غرق نشوند و خود را به کشورهای ظاهرا امن برسانند.

## چرا پناهنده‌گی: چرا آوارگی و فرار!

باشد و تا زمانی که دولت هایی چون دولت عشیره ای در عراق و کردستان؛ در افغانستان و سوریه ولیدی و سودان و سومالی و غیره سرکار باشند و توسط سرمایه داران و مافیای دولتی غرب و امریکا حمایت شوند؛ فرار مردم ادامه خواهد داشت. اگر سرمایه داران و دولتهایشان برای سرمایه گذاری و سود کسب کردن و برای دخالت نظامی و سیاسی؛ حد و مرز نمی شناسند؛ چرا باید برای مردم آواره و فراری از جهنم خاورمیانه و ایران؛ حد و مرز وجود داشته باشد. برای انسان مرز کشیدن جرم است. مجبور کردن انسان به زندگی در حصار و مرزهای کنترل شده

نظامی یک کشور جرم و عملی غیر انسانی است. انسانیت و انسان مرز نمی شناسد.

ما دنیایی را می خواهیم که مرزهایش برداشته شده باشند؛ که دولتهای سرمایه داری و زورگو به زیر کشیده شده باشند. که مردم کارگر و زحمتکش خود حکومت کنند و آزادی و برابری

تامین و تضمین شده باشد. تنها به این وسیله است که مساله مهاجرت و پناهنده شدن و فرار بی معنی می شود و دنیا شاهد گریه و ضجه کودکان بی سرپرست و انسان های مریضی که در راه فرار و مهاجرت جان خود را از دست می دهند؛ نخواهد بود. طبقه کارگر و انسان های آزادیخواه کشورهای اروپایی و امریکا می توانند به دولتهایشان فشار بیاورند که انسان های بی پناه و فراری

از جنگ و فقر و ستم را در پشت مرزها نگه ندارند. کاری کنند که دولتهای سرمایه داری دست از جنگ افروزی و کشتار مردم در خاورمیانه و فلسطین و غیره بر دارند. با مبارزه خود جنگ افروزی و دخالت و سود اندوزی با فروش اسلحه و غارت ثروت کشورهای دیگرافسار بزنند.

تا زمانی که خاورمیانه و افریقای جنگ زده ، فقر زده ، گرسنه و تحت ستم وجود داشته باشد زندگی در اروپای متمدن و مدرن و امن برای مردم شرافتمند این قاره افتخاری ندارد. تا زمانی که دولت ها اینقدر بی محابا جهان را به ورطه نابودی و جنگ می کشانند! هیچ انسانی در این کرده خاکی نمی تواند سرش را بالا بگیرد و بگوید من انسانم و به انسانیت افتخار کند.



روزها برده ها قاچاقی از طریق دریا و با خطرناک ترین شکل ممکن خود را به ادامه صفحه بعد

دریا می زنند تا به اروپا سرزمین رویا ها برسند!

اما آن چیز که در انتظارشان است! کمپ های بی امکان یا در بهترین حالت، استعمار در رستوران ها و کار سیاه است! دقیقا آن چیزی که برایشان برنامه ریزی شده است!

همان روز اول پناهجو را از دیپورت و زندگی سیاه می ترسانند، تا به هر چیزی تن دهد! خوب زمانی باید برای گرفتن چند برده تا افریقا می رفتند و یا پول زیادی خرج خرید شان می کردند ام این

## پناهجویان و رویاهای طلایی!



ترانه

با هزاران ترس از زندان و شکنجه یا به امید یک زندگی بهتر یا از ترس بمب و حملات انتحاری، خانه و کاشانه خود را رها می کنند و با هزاران ترس و امید به

## پناهجویان و رویاهای طلایی!

اروپا می‌رسانند!

در هر صورت اروپا امن است، کودکان به مدرسه می‌روند، همیشه غذایی برای خوردن هست، نه بمبی منفجر می‌شود نه گشت ارشادی که تجاوز کند و نه داعشی که آنها را بکشد یا به بردگی بگیرد.

اینها بهانه‌های خوبی برای قبول این وضعیت است، اما ایکاش همه چیز به اینجا ختم میشد!

چند سال اول در اروپا که در انتظار مصاحبه‌های طولانی و تحقیر آمیز اداره مهاجرت هستید، زمانی که در کمپ و بعثت مشکلات زیاد دنبال راهی برای ورود به جامعه و ترک آنجا هستید، دروازه‌های طلایی زندگی نیمه سیاه را

## پناهندگی در سوئد!



علیرضا شافعی

پناهنده کسی است که به خاطر داشتن مشکلات خاصی، اعم از مشکلات نژادی، مذهبی، ملیتی و یا به خاطر عضویت در گروه اجتماعی خاصی و یا عقاید سیاسی شخصی خود، در کشورش امنیت جانی نداشته و برای ادامه‌ی زندگی خود مجبور به پناه بردن به کشور دیگری شود. در اینجا بر خود لازم میدانم جهت آگاهی بسیاری از افرادی که قصد پناه بردن به کشورهای اروپایی همچون سوئد

بروی شما می‌کشایند، کار سیاه، و تصویری از آینده سیاه تر در صورت دیپورت از اروپا و باز جنگ، بمب، زندان و گشت ارشاد.

به سوئد برمی‌گردیم و به همین امروز و اینکه مشکلات دیگری بر هزاران ترس پناهجویان افزوده می‌شود یعنی اقامت موقت و شرط کار داریم (تن دادن بدون چون و چرا به قراردادی که صاحب کار می‌بندد) یعنی اگر شما قبول شوید و از هفت خان بگذرید تازه باید برای تمدید اقامتتان به هر چیزی (که کار سفید اسمش را گذاشته اند) تن دهید.

اما مشکلاتی که همیشه بوده است، شما زبان را هنوز خوب یاد نگرفته اید، به همین دلیل هنوز نمی‌توانید در حرفه‌ای که در آن سابقه دارید وارد بازار کار

شوید، شما هنوز اسمتان به جای سونسون و لارسون، علی و زهرا است. این همان مشکلی است که شما را سالها

را دارند، تجربیات تلخ خود را بازگو  
نمایم.

در ابتدای راه شرایط مهاجران متقاضی پناهندگی، از مبدأ تا مقصدشان بسیار خطرناک است چرا که شیوه‌های غیر قانونی مهاجرت آنها و مسیرهای دشوار و پرریسک در مرزها، و همچنین سوء استفاده‌ی قاچاقچیان از آنها، احتمال آسیبهای جانی و روانی زیادی را برای آنها به وجود می‌آورد.

در صورت سالم رسیدن آنها به مقصد، شرایط نامناسبی که برای بسیاری از پناهندگان در کشورهای مختلف دنیا در کمپهای آنان وجود دارد، از جمله نداشتن امکانات مناسب و کافی برای یک زندگی نرمال و بهداشت و نظافت

از زندگی که لیاقتش را دارید دور می‌سازد. اینها تازه بعد از قبولی و به رسمیت شناختن اقامت شما با چهار شماره در انتظارتان است.

این مشکلات مربوط به همه است که البته عده‌ای هستند که زندگی بدتری را تجربه می‌کنند! منظورم از عده‌ای، اکثریت نسبتاً زیادی از پناهجویانی است که از اداره مهاجرت سوئد درخواست پناهجوییشان رد میشود! قوانین برای این عده نسبتاً زیاد، بخشید تقریباً قوانینی وجود ندارد!

زندگی با ۱۵ ساعت کار و دریافتی ۶ ساعت و در حقیقت زندگی در حد بخور و نمیر و یک سرپناه! مشکلات پناهجویان در یک نوشته جا نمیشود! در حوصله این نوشته نیست! حتماً در شماره‌های بعد به گوشه‌های دیگری از مشکلات پناهجویان خواهیم پرداخت.



لازمه، سختیها و فشارهای زیاد زندگی در این کمپها و آلودگیها و همچنین رعایت نشدن بسیاری از حقوق قانونی افراد، از مشکلات پناهندگان می‌باشد.

همانطور که میدانید کشورهای اروپایی اخیراً در مقابل تعداد زیادی از

ادامه صفحه بعد

## پناهجویان و رویاهای طلایی!

درخواستهای پناهندگی از جانب مردم کشورهای سوریه و افغان و ... شده اند که باعث شده پاسخگویی به پروسه ی پناهندگی افراد بعد از اعلام پناهندگی ، مدت طولانی تری را سپری کند ، در نتیجه افراد پناهنده ، مجبور به تحمل وضع آشفته ی کمپها و آوارگی طولانی مدت خواهند بود و با آوارگی در این مدت طولانی تحت فشارهای زیادی قرار خواهند گرفت.

در خیلی از مواقع ، بعد از رسیدگی به پرونده ، حتی اگر فرد جواب مثبت را از جانب اداره ی مهاجرت دریافت کند ، بعد از وارد شدن به جامعه ، به دلیل اینکه در نهایت یک فرد خارجی محسوب شده که کشور مادری و (یا کشور مقصد) خودش را جا گذاشته و از دولت کشور مقصد، برای خود امکانات درخواست میکند، از نگاه نژاد پرستانه به او نگرسته خواهد شد و با برخوردهای متعددی با دید نژاد پرستانه رو به رو میشود...

همچنین لازم به ذکر میدانم که بگویم که به مهاجرانی که به کشور سوئد پناه میبرند و هنوز جواب خاصی را از جانب

بسیار کمی برای پیدا کردن کار نسبت به افراد عادی جامعه دارند ، و تنها نزد افراد سود جویی که فقط به فکر تامین منافع خود از طریق استسماز افرادی چون پناهنده ها هستند کار پیدا نموده و با دستمزدی بسیار پایینتر از حد معمول (کاره سیاه) ، به کار کردن نزد این افراد میپردازند.

از جمله مشکلات دیگر پناهندگان، تحت فشار قرار گرفتنشان برای بازگشت آنها به کشور خود و یا برگرداندن آنها به کشورهای دیگری (قانون دابلین) به جز کشور مبدأشان است که معمولاً کشورهایی فقیر و خشن هستند.

پدیدهی اخراج اجباری، از دیگر مشکلاتی است که برای پناهندگان به وجود می آید و با وجود قوانینی که در رابطه با دادرسی ها و حقوق پناهندگان، در این زمینه وضع شده است عملاً بدون دادرسی های عادلانه حکمهای اخراجی برای خیلی از پناهندگان صادر میشود. همچنین کنوانسیون منع استرداد خیلی از مواقع زیر پا گذاشته شده و پناهندگان را با مشکلات عدیدهی مواجه میکند علی رضا شافعی.

اداره ی مهاجرت دریافت نکرده اند برچسب Illegala flyktingar که به معنی مهاجر غیر قانونی است زده میشود. شنیدن این واژه برای افراد این جامعه ممکن است یادآور یک فرد مجرم و جنایتکار باشد در صورتی که هیچ یک از اعمال این افراد غیر قانونی نبوده و نیست، بلکه متاسفانه ، فقط و فقط ، وجود آنهاست که در کشور مبدأ و کشور مقصد غیر قانونی است. طبق قوانین مربوط به حقوق پناهندگان که در سایت Migrationsverket آمده است وقتی یک پناهنده وارد کشور سوئد میشود در صورت عدم دریافت اجازهی کار و یا عدم داشتن توانایی برای کار کردن، حق دریافت کمک هزینه ی مالی را دارد که این کمک هزینه باید برای تامین نیازهای یک فرد اعم از غذا، پوشاک، مسکن و غیره کفایت کند در حالی که امروزه این کمک هزینه ی دریافتی به قدری کم بوده که حتی برای تامین نیازهای غذایی مهاجران کافی نمی باشد. در صورتی که به مهاجران اجازه ی کار نیز داده شود به دلایل خاصی همچون نداشتن مهارت خواص و یا حتی بلد نبودن زبان کشور مقصد ، شانس

## گفتگویی با افشین ندیمی فعال سیاسی!



پناهنده و مهاجر در مفاهیم حقوق بشری به چه اشکالی تعریف و تفهیم شده ؟

پناهنده جزو آن دسته از کلماتی است که معنی آن در اذهان تداعی شده است و تعریفی که از آن در اذهان عمومی شکل بسته است فکر نکنم بر سر آن اختلاف چندانی در میان سازمانهای

صفحه بعد

در این گفتگو به مسائلی میپردازیم که عمق مطرح کردن و به تفسیر کشاندنش در یک گفتگو کوتاه نیست و البته ابتدایی شکل دادن به بحثی که با مشارکت هرچه بیشتر رفا در نهایت بصورت کتابچه ، منتشر میشود رفیق افشین تفاوت حقوقی فرد

## گفتگویی با افشین ندیمی فعال سیاسی!

سیاسی و حکومتها وجود داشته باشد. پناهنده (Refusee) به کسی گفته میشود که از ترس و عدم امنیت به جایی یا کسی پناه برده باشد. و اگر هم بخواهم طبق میثاق های بین المللی آن را تعریف کنیم.

کنوناسیون ۱۹۵۱ ژنو آن را چنین تعریف میکند: پناهنده کسی است که به دلایلی از قبیل نژاد، دین، ملیت، عضویت در گروههای اجتماعی، عقیده تی و سیاسی مورد فشارهای از قبیل زندان، شکنجه، اعدام و محرومیت های اجتماعی قرار گرفته باشد و یا این خطراتی که در بالا ذکر شد او را تهدید کند.

پناهنده در خارج از کشور محل سکونت (کشور اصلی خود) زندگی میکند و نمی تواند و یا به علت ترس از اعمال زندان و اعدام و شکنجه نمی خواهد به کشور خود باز گردد و می خواهد خود را تحت تابعیت کشوری که از آن درخواست پناهندگی کرده است قرار دهد.

چه فرقی بین پناهنده و مهاجر وجود دارد؟

تفاوت بارزی که میان این دو گروه اجتماعی موجود است در طرز تفکر، انتخاب محل زیست و نحوه برخورد آنها در جامعه جدید می باشد.

در واقع وجه مشترک میان این دو گروه همان دوری از کشور خود است که با دیدگاههای مختلف از جانب هر دو به آن نگریسته می شود.

اولی (مهاجر) آنرا خود پذیرفته و به بهبود وضعیت اقتصادی و تحصیلاتی و غیره.... می پردازد در حالی که پناهنده خود را قربانی می پندارد و هر چند در فضای امن و آرامی به سر میبرد اما این حالت از زندگی را تحمیل شده میبیند. زیرا اگر خطرات و مشکلاتی که در بالا در تعریف پناهنده به آن اشاره شد وجود نداشت پناهنده هیچگاه کشور خود را برای همیشه ترک نمی کرد.

چرا در این چند سال اخیر معضل و مشکلی به نام پناهندگی تا این حد قابل بحث شده است؟

جنگهایی که امپریالیسم آمریکا و غرب و روسیه از دو سو و مرجعین و گروههای اسلامی تکفیری و قدرتهای منطقه ای ( عربستان، ایران، ترکیه) از دو سوی دیگر در خاورمیانه خصوصا در کشورهای سوریه و عراق و افغانستان طی چند سال اخیر شعله ور ساخته اند. منجر به چیزی شده است که شاید بتوان آن را بزرگترین بحران پناهندگی تاریخ بشر نامید.

آواره گی و بی خانمان شدن میلیونها انسان بی گناه برای جان به در بردن از جنایات تروریسم دولتی بشار اسد و حامیان منطقه ای و جهانی اش، جنایات داعش و القاعده و دیگر گروههای اسلامی در افغانستان و سوریه و عراق و.... میلیتاریزه شدن این کشورها از سوی آمریکا و ناتو و روسیه و و دیگر قدرتهای منطقه ای در پی متلاشی شدن شیرازه جامعه در این کشورها یکی از بزرگترین و غمبارترین تراژدیهای انسانی قرن حاضر را رقم زده است و به همین دلایل که به آنها اشاره شد طی دو سال اخیر ما شاهد موج عظیمی از آواره گی انسانها از خاورمیانه و شمال آفریقا به

سوی اروپا به امید یک زندگی امن و دور از جنگ و خشونت بودیم که دروازه های دژ اروپا را گشود و این موج عظیم پناهنده گی عذر و بهانه تراشی دولتهای به اصطلاح مدافع حقوق بشر را برای نپذیرفتن آواره گان جنگی و سیل عظیم پناهجویان را خنثی کرد.

و به بحث روز و عاجل تمامی احزاب و گروههای سیاسی بدل شد و همانگونه که شاهد آن هستیم بحران پناهجویان و معضلات و خطراتی که در طول مسیر پناهنده گان را تهدید میکند امروز به بحثی عمومی در سطح جهان تبدیل شده است.

برخلاف احزاب راسیست و افراطی در اروپا بعضی از احزاب لیبرال موافق این موج عظیم پناهنده گی به کشورهایشان بودند، نمونه آن آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان علت آن چیست؟

سرمایه داری مدام در پی نیروی کار ارزان و بازار جدید است تا از یک سو با پدیده افزایش دستمزدها و کاهش نرخ سود مواجه نشود و از سوی دیگر پویایی و سرزندگی خود را حفظ کند و همزمان نیز مواظب است تا ثبات اجتماعی را در هم نشکند. و از این رو باید مدام مرزها را برچیند و جمعیت را جابجا کند و اینها را هم به گونه ای انجام میدهد که مشروع و برخواسته از اراده عمومی جلو کند.

و این حضور انبوه آوارگان در جستجوی پناهندگی بهترین فرصت را برای کشورهای سرمایه داری غرب فراهم کرده است تا شلاق استثمار را هر چه محکمتر بر بدن طبقه کارگر بزنند. مثلا

## گفتگویی با افشین ندیمی فعال سیاسی !

اگر کشور مثل آلمان تا دیروز باید هزینه های زیاد را صرف یک کودک از نظر بهداشت و درمان و آموزش و پرورش و سایر خدمات اجتماعی میکرد تا او را برای ورود به بازار کار و تولید ارزش اضافه آماده کند امروز با وجود این خیل عظیم پناهندگان این هزینه ها برایش پس گردانده میشود و یک نیروی کار آماده و ارزان در اختیار دارد.

اگر تا دیروز مجبور بود برای تولید هرچه بیشتر سود کارخانه ها و مرکز تولیدی خود را به خارج از کشور به آسیای شرقی و آمریکای جنوبی و غیره ببرد که این نیز هزینه های زیاد از لحاظ ترانسفر و غیره برایش بر میداشت تا به نیروی کار ارزان دست یابد، امروز این نیروی کار ارزان را در اختیار دارد و به فجیع ترین شیوه استثمار شان میکند. این اصلی ترین دلیل در این زمینه است.

ماهیت جنبشهای راسیستی که علیه پناهجویان موضع گرفته اند مانند پیگیدا چیست و هدف آنها چیست؟

بله در چند سال اخیر جریاناتی با دیدگاه راسیستی علیه پناهجویان موضع گرفته اند و مخالف دادن پناهندگی به این انسانهای آواره و فراری از جنگ و تروریسم هستند که نمونه بارز آن که تقریباً در تمام اروپا ریشه دوانده است جریانی است به نام پیگیدا که مخفف نام جریان فاشیست و نژاد پرست (اروپاییهای میهن پرست علیه اسلامی کردن غرب) است.

پیگیدا در اساس نژاد پرست است اما از آنجا که با پرچم مخالفت با اسلامیزه کردن غرب به میدان آمده است مدعی است چون اسلام گرایان افراطی نژادی واحد را تشکیل نمی دهند و شامل نژادهای مختلف هستند در نتیجه کسی نمی تواند ما را نژاد پرست (راسیست) بخواند. در واقع هم فعالیت این جریان علیه گروههای بنیادگرای اسلامی و جهادی نیست، بلکه علیه پناهجویان منتسب به مسلمان در این کشورها است.

اگر مخالف اسلامیزه کردن جامعه هستند باید علیه نسبیت فرهنگی و قوانین و سیاستهای جاری دولتهای اروپایی در دفاع از گروههای اسلامی و نهادهای اسلامی بمیدان می آمد نه شهروندان و پناهجویان منتسب به مسلمان که بنا به تصادف تولدشان در یک کشور اسلام زده برچسب و انگ اسلام بر پیشانی شان زده شده است.

مانیفست پیگیدا علیه پناهندگان و تغییر سیاست پناهندگی و محدود شدن آن است نه چیز دیگر چون آنها خود به خوبی میدانند کسانی که از خاورمیانه و شمال آفریقا گریخته اند و این همه خطر را در طول مسیر به جان و دل خریده اند خود قربانی اسلام سیاسی و جریانات اسلامی هستند و آنچنان دلخوشی به اسلام و این جریانات ندارند.

و در یک کلام پیگیدا یک محصول جدید این اوضاع است و تفاوت سوری پیگیدا با جریانات فاشیست کلاسیک به طور کلی خارج استیلا هستند، شاید در این است که علیه اسلامیزه کردن اروپا شکل گرفته است و سیاست فاشیستی و

راسیستی خود را روی پناهجویان منتسب به مسلمان در کشورهای اروپایی متمرکز کرده است.

وظیفه احزاب و انسانهای چپ و آزادیخواه در این مورد چیست؟

پناهندهها هم مانند سایر شهروندان عادی جامعه کار می کنند و تازه سخت ترین کارها را هم انجام میدهند مالیات می پردازند و تولید ارزش اضافه میکنند که به جیب ثروتمندان این جوامع میرود.

نه بر سفره کسی نشسته اند و نه موجد مسائل و مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و ..... هستند که معمولاً به پناهندگان نسبت میدهند. و نه بحرانهای اقتصادی و بیکاری و سایر معضلات ناشی از پناهنده است و نه رشد سلفیگری و اسلامیزه کردن جامعه و غیره بلکه همه اینها نتیجه سیاستهای نئولیبرالیستی خود این حکومتها است و ربطی به پناهجویان ندارد، زیرا پناهجویان در مرحله اول خود قربانیان این سیاستهای امپریالیستی و تروریستی هستند.

در این میان وظیفه احزاب و جریانات چپ و مدافع حقوق پناهندگی آشکار کردن سیاستهای راسیستی دولتها نسبت به پناهجویان است و بعد اعلام حمایت صقاطعانه از پناهجویان از طریق مختلف است. در مرحله اول باید خود آوارگان جنگی و پناهجویان را برای این امر سازمان داد و متحد کرد. قربانیان باید خود منجی شوند چون این نیروی عظیم با سازمان دادن خود حول خواستههای مشترک میتواند در صحنه باشد



## گفتگویی با افشین ندیمی فعال سیاسی!

کلام آخر: دفاع از حقوق شهروندی برای پناهجویان و آوارگان جنگ و خشونت یکی از مبرم ترین و پایه ای

## سایت استکهلیمیان - پرستار راسیست سوئدی!



محمد ولدی

گذری کوتاه به مطالب و نوع نگارش و چهارچوب تحلیل و جایگاه نظری اداره کنندگان سایت استکهلیمیان، بروشنی و شفاف بدون کاوشی موشکافانه - همگام شدنش با جنبش پگیدا برای تئوریزه کردن چنین متدی در سوئد قابل درک است. گرایش و موقعیت سیاسی مدیران این سایت و جایگاه طبقاتی سلطنت طلبانه، دوچندان راسیسم را در مضمون موجودیت چنین سایتی تسریع کرده است.

از آنجا که فلسفه وجود آتش نشان آتش است به همین میزان و قوائد - فارسیساز کردن مقالات و اخبار ژورنالیست پروراست غربی و صدالبته سوئدی - به زبان و متن آشنا و ادیت شیرین آریایی با ابزار و تجربه الیت غربی برای آموزش فن و فنون مدرن ژورنالیستی برای دماغوژی افکار عمومی فلسفه وجودی چنین سایتی است.

ترین مطالبات برای به عقب راندن سیاستهای راسیستی و پایان دادن به بهره کشی و تبدیل آنها به نیروی کار ارزان است

با تشکر از فعال کارگری افشین ندیمی

محمد ولدی



چرا؟ چگونه؟ به چه علت؟ برای چه اهدافی انسانهایی در تلاشند که در مدت زمان زندگانشان تمام توان و فن و دانش خود را صرف تحقیر و حذف و محروم کردن و هرچی سختتر کردن قوانین برای پناهندگان صرف میکند؟

از آنجا که هرکس یا نهاد زاویه و جایگاه طبقاتی و اجتماعیش تعیین کننده چهارچوب و تحلیلش از وضعیت موجود و پدیده های اجتماعی ست - بررسی کردن انسانها بنابر جنسیت و نژاد و رنگ پوست و ادیان - جدا که در این سیکل زمانی جای شرم و باید نقد و با معیارهای واقعی انالیز شود این بینش که انسان را نه به عنوان موجودی هم سان و مشترک در اناتومی بلکه انسان را برمبنای جغرافیا و موقعیت مادی توضیح میدهد، قابل درک خواهد بود که حمله صد نفر با پوشش سیاه راسیست سوئدی به تی سنترال استکهلیم را انسانهای نگران از آینده جامعه سوئد تبلیغ می کند تا ناامیدی و ضربه پذیری و موقعیت غیره انسانی را در ذهن و آینه پناهجویان کاشت کند و برداشت و تبلیغ راسیستی این سایت را خود با دریافت پول و خوش خدمتی و تعظیم در برابر قوانین پوسیده بورژوازی غربی نشان دهد.

مبتکران این سایت که در واقع ترجمه راسیستی سایتها و گرایشات راست سوئدی است، شاخه را از بن میبزنند حتی اگر خود بیوفتند.

به نفع چنین گرایشی نیست که دلایل واقعی و مادی هجوم این دوره پناهندگان و فرار از جغرافیای متولد شده اش که ترکیبی از جنگ و خون و مباران و ارتجاع مذهبی و آوارگی ملیونی مردم ستمدیده است را توضیح و انالیز کند.

این سایت پرستار راسیست سوئدی، امار دخالت و شرکت کشورهای اروپایی و ایجاد جنگ داخلی توسط سازمانهای جاسوسی و مخوف آنها در کشورهای سوریه و افغانستان و لیبی و... که با پشتیبانی از مرتجعترین گرایشات مذهبی برای درازمدت پلانهای سوداوری را مدیریت میکنند را منعکس نمیکند ادامه صفحه بعد

## سایت استکهلمیان - پرستار راسیست سوئدی!

این سایت پان ایرانیست - استکهلمیان - به امار کشته شدگان جنگ و کودکان آواره که به تعداد هر کلمه درج در سایتش زنان و دختران مورد تجاوز قرار میگیرند، خود را بی وظیفه کرده تا از سوی ملیونرهای بی کفایت راسیست، دستی به سرش کشیده شود و در دیسکوها و ویلاها آرام گیرد. سایت استکهلمیان از تنگی قافیه؛ شعور و وجدان خود را با بیت و مصراعهای سلطنتی - ارباب و رعیت وار - تا هماهنگ شدن با پروپاگند ژورنالیستهای یگیدای المانی - سوئدی بنگاه راست را ساپورت میکند. گذشتن و نادیده گرفتن امار جرم و جنایت و بیکاری در جغرافیای سوئد و بزرگنمایی کردن از رویدادهای که عاملش انسانهای مهاجر با خصوصیات موی سیاه و پوست تیره، نکته ریز در بینش راسیستی اسلام هراسی کردن جامعه مدرن اروپایی است.

برخلاف عوامفریبی گردانندگان سایت پان ایرانیست استکهلمیان بنا به منبع رادیو فارسی سوئد:..... بر اساس آماری که روزنامه داگزنیهتر منتشر کرده است، کمتر از یک درصد از جرایمی که به پلیس سوئد گزارش شده، به پناهجویان مرتبط بوده است. از پانزدهم اکتبر سال گذشته تا آخر ژانویه سال جاری نزدیک به ۵۴۰ هزار حادثه نزد پلیس ثبت شده است که از این میان، کمتر از ۵ هزار حادثه به پناهجویان ارتباط داشته است و..... و این سایت استکهلمیان اصلا خبرهای مانند این را درج نمیکند که..... پلیس موفق شد شب گذشته در

نزدیکی محل اقامت پناهجویان در منطقه نی نس همن در حومه استکهلم، افراد مظنونی را بازداشت کند که در خودروهای خود ابزار ضرب و شتم مانند میله های آهنی و تبر داشتند. به گزارش پلیس، این افراد به گروه های راست افراطی وابسته هستند.

حالا بد نیست که نگاهی کوتاه هم به امار مهاجرت سوئدیها به قاره امریکا و.... را بخوانیم تا چهره غیره انسانی نهادهای ضد پناهندگی در هر شکل و شمایل عریان شود.

آمار مرکز مدیربازنشسته یورنر اولف کاملا شکلش هم مهاجرت - سوئد شده عوض، در سال ۱۹۱۴ هرچند که موج بزرگ مهاجرت سوئدیها به آمریکا تمام شده بود اما سوئد، هنوز کشوری بود که مردمش آن را ترک می کردند و برای زندگی بهتر به خارج از کشور مهاجرت می کردند، امروزه هرچند مهاجرت از سوئد نیز ادامه دارد اما مهاجرت به سوئد بسیار بیشتر شده و سوئد کشوری مهاجرپذیر شده است. و....

سالانه پنجاه هزار نفر سوئد را ترک می کنند

سوئدی ها در خارج از کشور شادتر هستند

سوئدی هایی که خارج از کشورشان زندگی می کنند، خوشحال تر از سایر هموطنان شان هستند. این مطلب در کتابی که بر اساس پژوهش موسسه اس او ام در دانشگاه یوتبوری انجام شده منعکس شده است.

بر اساس این پژوهش، مسائل شغلی معمول ترین دلیل برای مهاجرت از سوئد است. ۴۵ درصد از کسانی که برای اشتغال سوئد را ترک کرده اند، درآمد

بهتر را یکی از دلایل مهاجرتشان می دانند. ماریا سولوید که این پژوهش را رهبری کرده می گوید که تعداد مردانی که به دلایل کاری سوئد را ترک کرده اند بسیار بیشتر از زنان است و زنان به دلیل مهاجرت همسر یا همزی شان مهاجرت می کنند.

از سوی دیگر سوئدی های خارج از کشور، با سوادتر هستند و ۵۸ درصد آنها مدرک دانشگاهی دارند در حالی که این رقم درون مرزهای سوئد تنها ۳۲ درصد است / رادیو سوئد - رادیوی سوئد

- دقت کنید که گردانندگان سایت پان ایرانیست استکهلمیان مثلا جغرافیای ایران و افغانستان را جامعه اسلامی میخواند نه جغرافیایی با حاکمیت مرتجعین اسلامی با نظام طبقاتی سرمایه داری.

برجسته کردن واژه جامعه بجای واژه حاکمیت، ترفند ژورنالیسم راست برای سرکوب انسانهایی است که تا استخوان از حاکمیت و قوانین پوسیده اسلامی، زجر کشیدند و تحقیر شدند بحث زیاد و در این سرتیر نمیگنجد. فقط کلام آخر اینست که روند رو به پیش جامعه - وظیفه شناسی ازادیخواهان و اومانیستها و سوسیالیستهای سوئدی را در جهت مبارزه با خرافات مذهبی و راسیست درهر شکلش بیشتر میطلبد. هر روز بیش از پیش ماهیت غیره انسانی بینش و عملکرد راسیستی را از خواستها و مطالبات معترضینی که به خیابان می آیند و از پراتیک انسانی دفاع میکنند میتوان شنید و فریاد راسخ و مطمئنشان در دفاع از انسانهای آواره حس کرد.

به امید دنیایی فارغ از ستم و نابرابری

## اطلاعیه سازمان سراسری پناهندگان ایرانی بيمرز!

تحقیر افغانستانیهای مقیم ایران در شیراز محکوم است!

در هنگام این نمایش بربریت از سوی ماموران نظامی جمهوری اسلامی جا داشت صدها و هزاران انسان شرافتمند در این جامعه در مقابل این توحش و تحقیر قد علم کنند و آنرا توهین به خود تلقی می کردند و مانع اجرای آن در شهر و محل زندگی خود شوند. هنوز دیر نشده است رفتار انسانی را با مردمان شریف و زحمتکش افغانستانی مقیم ایران را پیشه کنیم و با نظام سیاسی هار اسلامی سرمایه فاصله عمیق خود را نشان دهیم.

در مقابل هر نوع بی عدالتی، تحقیر و رفتار دون شان انسان را نه به خود و نه به اتباع سایر کشورها تحمل نکنید. هر گونه رفتار تحقیر آمیز و اجحاف علیه انسانهایی که اتفاق تولدشان تنها "جرمشان" باشد، فردا دودش به چشم شما نیز خواهد رفت. جمهوری اسلامی ضد انسان، ضد کارگر و زحمتکش، ضد زن و کودک و هر درجه از انسانیت است و مردم ایران در طول قریب به سه دهه با تمام وجود آنرا لمس کرده اند و دهها انسان شرافتمند در زندانهای مخوف و در نبردهای متعدد علیه آن جان باخته اند.

سکوت را بشکنید و انسانیت را نمایندگی بکنید. رژیم هار اسلامی را باید به زیر کشید تا انسانیت و انساندوستی به معنای واقعی کلمه در ایران نمایندگی بشود، تا نه ایرانی اعدام و زندان و سرکوب بشود و نه اتباع موسوم به افغانی در ایران تحقیر شوند.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بی مرز

نهم سپتامبر ۲۰۱۶

روز سه شنبه ۱۶ شهریورماه برابر با (هفتم سپتامبر) نیروهای انتظامی شیراز نمایشگاهی تحت عنوان "مکشوفات کلانتری های شیراز در ۴۸ ساعت گذشته" در شهر شیراز برگزار کرده که بخشی از کالاهای ضبط شده توسط این نیرو، مانند مواد مخدر، مشروبات الکلی و ... به نمایش گذاشته اند که همراه آنان تعدادی از افغانستانی هایی را که به گفته آنان غیر قانونی در ایران زندگی میکنند، را دستگیر و به شیوه تحقیر آمیز و ضد انسانی در حالیکه چشمانشان را با پارچه سفید بسته اند در میان حصارى فلزی همچون حیوانات باغ وحش جهت بازدید مردم به نمایش گذاشته اند. ناصر کشاورز معاون هماهنگ کننده اوباشان مسلح نیروی انتظامی در استان فارس تعداد این افراد را ۲۷۷ نفر اعلام نمود.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی- بی مرز این عمل وقیح جمهوری اسلامی ایران را همچون سایر اعمال شنیع اشان علیه پناهجویان افغانستانی مقیم ایران محکوم می کند و انسانهای شرافتمند را به اعتراض به اینچنین رفتارهای وحشیانه فرا میخواند. مردم شیراز و سایر نقاط ایران! در این نمایش مضحک و ضد انسانی و وقیح سردمداران جمهوری اسلامی سهیم نشوید. برای یک لحظه فرزندان خود را در بریتانیا و سوئد و سایر کشورهای غربی در چنین حالتی تجسم کنید تا عمق فاشیسم و نژادپرستی ایرانی در قامت حکومت اسلامی را دریابید.



سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد  
 Iranska Flyktingars Riksorganisation - Sveriges sektion



### جلسات هفتگی سازمان بيمرز در روزهای

دوشنبه ساعت ۶ عصر برگزار می شود. از همه  
 پناهندگان و علاقمندان به فعالیت در این عرصه  
 دعوت می شود که در این جلسات شرکت کنید.

International Organisation of Iranian Refugees  
 سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بيمرز



تماس با سردبير:

نشریه بيمرز، نشریه سازمان سراسری پناهندگان ایرانی است که در چهار چوب  
 اساسنامه آن عمل می کند و در تلاش است که مسایل و مشکلات پناهندگان و دلایل  
 خروج آنان از چنگال رژیم اسلامی را بررسی و مبارزه ای را برای رسیدن به  
 آزادی و برابری و سرنگونی جمهوری اسلامی ترتیب دهد.  
 برای ارسال مطالب خود به نشریه و همچنین ارائه نظرات و پیشنهادات خود با ایمیل

زیر در تماس باشید.

[BABAK.SARAJ@HOTMAIL.COM](mailto:BABAK.SARAJ@HOTMAIL.COM)

منتظر مقالات، نظرات و پیشنهادات شما هستیم.

تماس با واحدهای سازمان بيمرز

دبير سراسری سازمان بيمرز

سعید آرمان

تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

Adress: IOIR, BM BOX 2592,  
 London, WCIN 3XX, UK.

E-mail: saeed\_arman2002@yahoo.co.uk

دبير واحد سراسری سوئد بيمرز

عباس رضایی

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۷۳۰۱۱۳۶

دبير واحد استکهلم سازمان بيمرز

محمود محمد زاده

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۶۲۲۸۷۲۶

دبير واحد گوتنبرگ

ابوبکر شریف زاده

تلفن: ۰۰۴۶۷۲۲۹۱۸۰۷۰

دبير واحد شمال سوئد

محمد عابدیان

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۷۲۲۴۹۲۳۱